



فصل يكم: ادبيات تعليمي

۱ بيت: «دست از مس وجود چو مردان ره بشوي / تا كيميائي عشق ييابي و زر شوي» با کدام بيت قرابت مفهومي دارد؟

- | | |
|--|--------------------------------------|
| ۱) گرچه سيم و زر ز سنگ آيد برون | در همه سنگي نباشد زرّ و سيم |
| ۲) گر به آتش بريم صد ره و بيرون آري | زر نايه كه همان باشم اگر بگدازم |
| ۳) زر ز معدن سرخ روي آمد برون | صحبت ناجنس كردش روي زرد |
| ۴) چه آتش پاره‌اي بودي الا اي كيميائي دل | كه از برقي مس آلوده با زنگار زر كردي |

فصل دوم: ادبيات سفر و زندگي

۲ دو واژه مشخص شده در کدام دو بيت، نقش دستوري يكساني دارند؟

- | | |
|-------------------------------------|-------------------------------------|
| ۱) بر ژرف دهانت سخت بندي | بر بسته سپهر ديو پر فند |
| ۲) بيا كه قصر امل سخت سست بنياد است | بيار باده كه بنياد عمر بر باد است |
| ۳) گفتم اين شرط آدميت نيست | مرغ، تسبيح گوي و من خاموش |
| ۴) خامش منشين، سخن همي گوي | افسرده مباح، خوش همي خند |
| ۵) سحر، گاه رفتن زدي با لطافت | به پيشاني‌ام بوسه آخرت را |
| ۶) برقي از منزل ليلي بدرخشيد سحر | وه كه با خرمن مجنون دل افكار چه كرد |
| ۷) همي راند تير گز اندر كمان | سر خويش كرده سوي آسمان |
| ۸) به بادافره اين گناه هم مگير | تويي آفريننده ماه و تير |

۳ در کدام بيت همه آرايه‌هاي «تشبيه، كنايه، استعاره، حسن تعليل» وجود دارد؟

- | | |
|---------------------------------------|-----------------------------------|
| ۱) تا كي مي صبح و شكر خواب بامداد | هشيار گرد، هان كه گذشت اختيار عمر |
| ۲) دي در گذار بود و نظر سوي ما نكرد | بيچاره دل كه هيچ نديد از گذار عمر |
| ۳) اندیشه از محيط فنا نيست هر كه را | بر نقطه دهان تو باشد مدار عمر |
| ۴) در هر طرف ز خيل حوادث كمين گهي است | زان رو عنان گسسته دواند سوار عمر |

۴ مفهوم بيت «در دفتر زمانه فتد نامش از قلم / هر ملّتي كه مردم صاحب هنر نداشت» به کدام بيت زير نزديك است؟

- | | |
|--------------------------------|-------------------------------|
| ۱) مردم پرورده به جان پرورند | گر هنري در طرفي بنگرند |
| ۲) خاك زمين جز به هنر پاك نيست | وين هنر امروز در اين خاك نيست |
| ۳) گر هنري سر ز ميانه بر زند | بي هنري دست بدان در زند |
| ۴) كار هنرمند به جان آورند | تا هنرش را به زيان آورند |



۵) ترتیب ابیات زیر، بر مبنای داشتن آرایه‌های «حسن تعلیل - تضاد - استعاره - تناقض» در کدام گزینه آمده است.

- الف) دل چو از پیر خرد نقل معانی می‌کرد
ب) سازگاری، چرخ را با من نبود از راه لطف
ج) خاک بغداد به مرگ خلفا می‌گرید
د) من که دارم در گدایی گنج سلطانی به دست
- عشق می‌گفت به شرح آن چه بر او مشکل بود
چند روزی بهر ویرانی مرا آباد داشت
ورنه این شط روان چیست که در بغداد است؟
کی طمع در گردش گردون دون پرور کنم؟

۴) ج - ب - الف - د

۳) د - ب - الف - ج

۲) ج - د - الف - ب

۱) ب - د - ج - الف

۶) در کدام بیت «ایهام، ایهام تناسب، تشبیه و استعاره» وجود دارد؟

- ۱) از راه نظر مرغ دلم گشت هواگیر
۲) غنیمتی شمر ای شمع، وصل پروانه
۳) مرغ دل باز هوادار کمان‌ابروی است
۴) کسی به وصل تو چون شمع یافت پروانه
- ای دیده نگه کن که به دام که در افتاد
که این معامله تا صبحدم نخواهد ماند
ای کبوتر نگران باش که شاهین آمد
که زیر تیغ تو هر دم سری دگر دارد

۷) در کدام گزینه «اسلوب معادله، ایهام تناسب، حسن تعلیل و تضاد» وجود دارد؟

- ۱) بلندآوازه سازد شور عاشق، عشق سرکش را
۲) سربلندی گر تو خواهی، با همه یکرنگ باش
۳) عشق را روز قیامت آتش و دودی بود
۴) لاله‌زاری شد به چشم من، جهان از نور عشق
- به فریاد آورد مشتی نمک، دریای آتش را
قالی از صدرنگ بودن زیر پا افتاده است
نور آن آتش تو باشی، دود آن آتش منم
کیمیای شعله، خس را آتش سیما کند (خس: خار و خاشاک)

فصل سوم: ادبیات غنایی

۸) در همهٔ گزینه‌ها هم «رای حرف اضافه» و هم «رای مفعولی» به کار رفته است. به جز گزینه.....

- ۱) در شیشه‌خانه آینه را نیست اعتبار
۲) سیل را خاشاک در زنجیر نتواند کشید
۳) چو حجت نماند جفاجوی را
۴) اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را
- گل را ز گل‌فروش به بستان که می‌برد
رهروان عشق را دنیا نگردد پای‌بند
به پرخاش درهم کشد روی را
به خال هندویش بخشم سمرقند و بخارا را

۹) نقش واژهٔ مشخص‌شده در کدام بیت، درست تعیین نشده است؟

- ۱) هم تو را از هوا به شست آرند
۲) آب شور است نعمت دنیا
۳) یار هم کاسه هست بسیاری
۴) دوست را گر ز هم بدری پوست
- همه را جمله نیست گردانند (مسند)
چون بود آب شور و استسقا (متمم)
لیک هم کیسه کم بود یاری (قید)
گر کند آه، او نباشد دوست (مفعول)

۱۰) آرایه‌های بیت زیر در کدام گزینه تماماً درست آمده است؟

- ۱) تشبیه، حس آمیزی، تناسب، مجاز
۲) تناسب، استعاره، ایهام، حسن تعلیل
۳) اغراق، حس آمیزی، استعاره، حسن تعلیل
۴) مجاز، اغراق، ایهام، تشبیه
- «محروم اگر شدم ز سر کوی او چه شد
از گلشن زمانه که بوی وفا شنید؟»



- ۱۱) آرایه‌های «مجاز، کنایه، متناقض‌نما، حسن تعلیل و اسلوب معادله» به ترتیب در کدام ابیات یافت می‌شود؟
 الف) به اندک فرصتی از سفله رو گردان شود دولت
 ب) مرا بر خشک مغزی‌های زاهد گریه می‌آید
 ج) قضای روزه زان باشد گران بر خاطر مردم
 د) هر چه رفت از کف به دست آوردن او مشکل است
 ه) افتادگی بر آورد از خاک دانه را

۱ ج، ب، د، الف، ه ۲ ج، الف، د، ه، ب ۳ د، الف، ه، ج، ب ۴ د، ب، ه، الف، ج

۱۲) مفهوم بیت زیر در کدام بیت وجود ندارد؟

«در نیابد حال پخته هیچ خام پس سخن کوتاه باید والسلام»

- ۱ فریاد من از سوختگی هاست چو آتش
 ۲ تا نسوزد بر نیاید بوی عود
 ۳ آتش روی تو زین گونه که در خلق گرفت
 ۴ دردا که پیچتم در این سوز نهانی

۱۳) بیت: «هر کسی کاو دور ماند از اصل خویش / باز جوید روزگار وصل خویش» با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟

- ۱ دل، قطره‌ای ز شبنم دریای عشق اوست
 ۲ سیل دریا دیده، هر گز بر نمی‌گردد به خود
 ۳ چون ز دریا سوی ساحل باز گشت
 ۴ سروری را اصل و گوهر برترین سرمایه است

۱۴) مفهوم کدام بیت با ابیات دیگر همخوانی ندارد؟

- ۱ ما تماشاگران بستانیم
 ۲ ما در آثار صنع حیرانیم
 ۳ به غیر از خوبی لیلی نبینی
 ۴ کزو چشمتم همین بر زلف و رویی است

۱۵) مصراع «محرم این هوش جز بی‌هوش نیست» با کدام بیت تناسب مفهومی کمتری دارد؟

- ۱ عجب است با وجودت که وجود من بماند
 ۲ از در آمدی و من از خود به در شدم
 ۳ من چه در پای تو ریزم که پسند تو بود
 ۴ هر کس به تو ره یافت ز خود گم گردید

۱۶) مفهوم بیت زیر با کدام بیت، یکسان است؟

«فرع‌ها را از رجوع اصل بیدل، چاره نیست راه‌ها سربسته بود آخر به خود باز آمدم»

- ۱ فرع را از اصل خویش آگاه باید زیستن
 ۲ اصل است که فرع می‌نماید
 ۳ مادر فرزند جویان وی است
 ۴ هین خمش کن به اصل راجع شو

۱۷) کدام بیت با ابیات دیگر تناسب معنایی ندارد؟

- ۱ عاشق شو از نه روزی کار جهان سر آید
 ۲ نبود نقش دو عالم که رنگ الفت بود
 ۳ همه عمر برن دارم سر از این خمار مستی
 ۴ حسنت به ازل نظر چو در کارم کرد



۱۸) مفهوم کدام دو بیت با یکدیگر متناسب نیست؟

- ۱) اگر تو جور بکنی رای ما دگر نشود / کشیدند در کوی دلدادگان
- ۲) سینه خواهم شرحه شرحه از فراق / مدعی خواست که آید به تماشاگاه راز
- ۳) آگه نیم که چیست غم را سبب ولی / چه شکر گویمت ای سیل غم عفاک الله (خدا تو را ببخشد)
- ۴) صبورى از طریق عشق دور است / قرار در کف آزادگان نگیرد مال
- هزار شکر بگویم هر جفايی را / میان دل و کام دیوارها
- تا بگویم شرح درد اشتیاق / دست غیب آمد و بر سینه نامحرم زد
- دانم که یاد غم سبب شادی من است / که روز بی کسی آخر نمی روی ز برم
- نباشد عاشق آن کس کاو صبور است / نه صبر در دل عاشق نه آب در غربال (الک)

۱۹) مفهوم کنایی بیت زیر از کدام بیت، دریافت می شود؟

- «عقل میدان سخن بر عاقلان کرده است تنگ / ورنه مجنون با در و دیوار می گوید سخن»
- ۱) نیست در روی زمین گوشه سزاوار سخن
 - ۲) گوهر شهوار مزد لب به جا وا کردن است
 - ۳) نمی توان ز سخن ساختن خموش مرا
 - ۴) دهان مور را پر خاک دارد بی زبانی ها
 - چون نبندد طوطیان را زنگ در منقار حرف؟
 - این نصیحت را به خاطر از صدف داریم ما
 - که چون صدف ز دهان است رزق گوش مرا
 - مرا تیغ زبان چون مار بی زنهار بایستی

۲۰) کدام ابیات با یکدیگر ارتباط معنایی دارند؟

- الف) غمش را غیر دل سر منزلی نیست / ولی آن هم نصیب هر دلی نیست
- ب) معنی طلب که بر در و دیوار صورت است / مغز است نزد مردم دانا هنر، نه پوست
- ج) هر آن کسی که نظر با یکی ندارد و دل / به صورتی ندهد صورتی است بر دیوار
- د) بر من که گرفتار توام رحم مفرمای / رحم است بر آن کس که گرفتار نباشد
- ه) گر دیگران به عیش و طرب خرم اند و شاد / ما را غم نگار بود مایه سرور
- و) غم تو را به نشاط جهان نخواهم داد / من این خریده خود را به هیچ نفروشم
- ۱) الف - ج - ه
۲) الف - ه - و
۳) ب - د - و
۴) ب - ج - ه

۲۱) مفهوم کدام بیت با سایر ابیات، تفاوت دارد؟

- ۱) تخم راز عشق را در خاک کردن مشکل است
- ۲) که راز هره است راز عشق را در دل نگه دارد؟
- ۳) از خاک اهل عشق نظر خیره می شود
- ۴) به هر بی پردای اظهار نتوان کرد راز خود
- چون شرر از سنگ بیرون می جهد اسرار عشق
- صدف را سینه چاک آرد به ساحل گوهر عاشق
- از ابر پردگی نشود آفتاب عشق
- دل شبها بود گنجینه اسرار عاشق را

۲۲) در میان واژگان زیر چند واژه نمی توانند ابزار و وسایل جنگی باشند؟

- «ترک - درع - خود - فوج - گبر - سلیح - مزیح - سنان - بارگی - کوس - زه - گرد - کمند»
- ۱) سه
۲) چهار
۳) پنج
۴) شش

۲۳) تعداد مسند در کدام ابیات یکسان است؟

- الف) در عالم زیبایی تو خواجه معروفی / در گوشه تنهایی من بنده گمنامم
- ب) ساقی از این مقام شد صبح نشاط، شام شد / خواب خوشم حرام شد باده خوش گوار هم
- ج) در سرم هست که خاک کف پای تو شوم / من بر اینم مگرم بخت موافق نشود
- د) با وجود تو نمانده است امیدی ما را / که رخ خوب تو دیباچه هر امید است
- ۱) الف، د
۲) الف، ج
۳) ب، ج
۴) ب، د

۲۴) نقش دستوری واژه های بیت زیر در کدام گزینه کاملاً درست مشخص شده است؟

- تو کافر دل نمی بندی نقاب زلف و می ترسم / که محرابم بگرداند خم آن دلستان ابرو
- ۱) نقاب (متمم)، محراب (مسند)، ابرو (نهاد)
۲) نقاب (مفعول)، محراب (مفعول)، ابرو (نهاد)
۳) دل (مفعول)، محراب (مفعول)، ابرو (مضاف الیه)
۴) نقاب (مفعول)، محراب (مفعول)، ابرو (مضاف الیه)



- ۲۵ در بیت «راست زهری ست شکرین انجام / کژ نباتی که تلخ دارد کام» نقش دستوری واژه‌های مشخص شده به ترتیب چیست؟
 ۱ نهاد، صفت، نهاد، مسند ۲ نهاد، مسند، نهاد، مسند ۳ قید، نهاد، صفت، مفعول ۴ قید، صفت، صفت، مفعول

- ۲۶ نقش دستوری گروه‌های مشخص شده در بیت زیر کدام است؟
 نیست سلطان زمین حاکم درویش که نیست بنده سلطنت فقر به فرمان کسی
 ۱ نهاد - مسند - نهاد ۲ نهاد - مسند - مسند ۳ مسند - نهاد - نهاد ۴ مسند - نهاد - مسند

- ۲۷ در میان مصراع‌های زیر، اجزای چند جمله «نهاد + مفعول + فعل» است؟
 الف) آن پی مهر تو گیرد که نگیرد پی خویشش
 ب) نشستم تا برون آیی خرامان
 ج) تو در عالم نمی‌گنجی ز خوبی
 د) دوست دارد آن که داری دوستش
 ۱ دو ۲ سه ۳ چهار ۴ پنج

- ۲۸ مفهوم کدام بیت با سه بیت دیگر هم‌خوانی ندارد؟
 ۱ کشتنش آب حیات عاشقان آمد، از آن
 ۲ آن را که زندگیش به عشق است مرگ نیست
 ۳ جان بدهند و در زمان زنده شوند عاشقان
 ۴ نیست نقصان مرا «حزین» از مرگ
 زنده می‌گردم من آشفته‌دل تا می‌کشد
 هرگز گمان مبر که مر او را فنا بود
 گر بکشی و بعد از آن بر سر کشته بگذری
 عشق سرمایه بقای من است

- ۲۹ بیت «گر نور عشق حق به دل و جان او افتد / بالله کز آفتاب فلک خوب‌تر شوی» با کدامیک از ابیات زیر، ارتباط مفهومی دارد؟
 ۱ چون که قتادم ز فلک ذره صفت لرزانم
 ۲ آن دل آواره من، گر ز سفر باز رسد
 ۳ چون که تو دست شفقت بر سر ما داشته‌ای
 ۴ چرخ بود جای شرف، خاک بود جای تلف
 ایمن و بی‌لرز شوم چون که به پایان برسم
 خانه تهی یابد او، هیچ نبیند اثرم
 نیست عجب گر ز شرف بگذرد از چرخ سرم
 باز رهم زین دو خطر چون بر سلطان برسم

فصل چهارم: ادبیات پایداری

- ۳۰ معنای چند واژه در کمانک روبه‌روی آن نادرست آمده است؟
 اورنگ (تخت پادشاهی)، حریف (دوست)، مسطور (نوشته‌شده)، بدگواری (بداختری)، سر پرزدن (گردش و تفرّج)، چریغ آفتاب (هنگام ظهر)، ستیزه‌روی (پرو،) اعتذار (پوزش)، باز بسته (پیوسته)
 ۱ سه ۲ چهار ۳ پنج ۴ شش

- ۳۱ نمودار کدام ترکیب، درست رسم شده است؟

- ۱ حلقه زلف سیاهش ۲ حسرت آن لعل روانبخش ۳ غلام همت آن رند ۴ آن زیارت‌گه رندان جهان

- ۳۲ معنای چند واژه در کمانک روبه‌روی آن نادرست آمده است؟
 دلاویز (خوب)، قدس (صفا)، سامان (امکان)، سودا (اشتیاق)، مستعجل (شتابنده)، عجین (آمیخته)، مباحثات (افتخارات)، چریغ آفتاب (هنگام غروب)، استبعاد داشتن (تحقق و وقوع امری)
 ۱ سه ۲ چهار ۳ پنج ۴ شش



۳۳ نمودار کدام گروه اسمی درست کشیده نشده است؟

همه جور آدم عجیب و غریب

۲

دو دستگاه دوربین عکاسی قدیمی

۱

این درخت چنار پیر باغ

۴

یک تکه کاغذ نقاشی مجاله شده

۳

۳۴ مفهوم بیت «تا نگردي آشنا زين پرده رمزي نشنوي // گوش نامحرم نباشد جای پیغام سروش» با کدام بیت تناسب معنایی دارد؟

- ۱ رسید از عالم غییم سروشی
- ۲ دو کس بر حدیثی گمارند گوش
- ۳ غم حبیب، نهان به ز گفتگوی رقیب
- ۴ در راه عشق وسوسه‌ی اهرمن بسی است
- ۱ که فارغ باش از گفت و شنیدن
- ۲ از این تا بدان اهرمن تا سروش
- ۳ که نیست سینه‌ی ارباب کینه، محرم راز
- ۴ پیش آی و گوش دل به پیام سروش کن

فصل پنجم: ادبیات انقلاب اسلامی

۳۵ کدام گزینه ابیات زیر را به لحاظ داشتن آرایه‌های «استعاره - تشبیه - اسلوب معادله - تلمیح» به ترتیب نشان می‌دهد؟

- الف) دل چو شد غافل ز حق فرمان‌پذیر تن بود
- ب) تا ابد بوی محبت به مشامش نرسد
- ج) نگاه دار گرت چون عقیق آبی هست
- د) چه ناله‌ها که رسید از دلم به خرمن ماه
- ۱ ج - د - ب - الف
- ۲ الف - ب - د - ج
- ۳ ب - د - الف - ج
- ۴ د - ب - الف - ج

۳۶ معنای چند واژه در کمانک روبه‌روی آن درست نیامده است؟

- ۱ سه
 - ۲ چهار
 - ۳ پنج
 - ۴ شش
- حمایل (محافظ)، تعلل (اهمال کردن)، حصار (حفاظ)، مُجاب (متقاعد)، شب (روح)، شرف (حرمت و اعتبار)، پرنیان (حریر)، قاش (کوهه زین)، عزّ (گرامی شدن)، حزین (اندوهگین)، نبات (رستنی)

۳۷ املاي کدام لغت برای جای خالی مناسب است؟

- ۱ تیری که زدی بر دلم از غمزه خطا رفت
- ۲ اولاد خویش را که شفیعان محشرند
- ۳ زخم شمشیر غمت را به شکیبایی و عقل
- ۴ مرد نقال از صدایش می‌بارید / و نگاهش مثل خنجر بود (زّجه)
- ۱ تا باز چه اندیشه کند رأی (ثوابت)
- ۲ در عقوبت اهل جفا ببین (ورطه)
- ۳ چند بنهادیم و اثر می‌نرود (مرحم)

۳۸ اگر ابیات زیر را بر پایه آرایه‌های «پارادوکس - تناسب - ایهام تناسب - استعاره» بخوایم مرتب کنیم کدام گزینه درست است؟

- ۱ ب - الف - د - ج
 - ۲ ب - د - الف - ج
 - ۳ الف - ب - د - ج
 - ۴ ج - الف - ب - د
- الف) ماه آمد به دیدن خورشید، صبح زود
ب) لبریز زندگی است نفس‌های آخرت
ج) شاهد نیاز نیست که در محضر آورند
د) از دور دست می‌رسد آیا کدام پیک
- خورشید رفته است سر شب سراغ ماه
آورده مرگ، گرم به آغوش تو پناه
در دادگاه عشق، رگ گردنت گواه
ای مسلم شرف، به کجا می‌کنی نگاه؟



۳۹ کدام بیت با ابیات دیگر تناسب معنایی ندارد؟

- | | |
|--|-------------------------------------|
| ۱ حافظ به خود نپوشید این خرقة می‌آلود | ای شیخ پاکدامن، معذور دار ما را |
| ۲ در طریقت هر چه پیش سالک آید خیر اوست | در صراط مستقیم ای دل کسی گمراه نیست |
| ۳ نوشته جاودان، دیگر نگردد | به رنج و کوشش از ما برنگردد |
| ۴ چو تو خود کنی اختر خویش را بد | مدار از فلک چشم نیک‌اختری را |

۴۰ کدام دو بیت با یکدیگر تناسب دارد؟

- | | |
|--------------------------------------|-------------------------------------|
| ۱ گره بگویم که مرا حال پریشانی نیست | رنگ رخساره خبر می‌دهد از سرّ ضمیر |
| ۲ گونه زردش دلیل، ناله زارش گواست | دعوی عشاق را شرح نخواهد بیان |
| ۳ دولت فقر خدایا به من ارزانی دار | کاین کرامت سبب حشمت و تمکین من است |
| ۴ دشمن بر آب دیده من رحمت آورد | رحمت ز دشمنان چه بود؟ غایت عذاب |
| ۳ گره دوست بنده را بکشد یا بپرورد | تسلیم از آن بنده و فرمان از آن دوست |
| ۴ آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است | با دوستان مروّت با دشمنان مدارا |
| ۴ این ماحضری بود که در دیدن اول | کرد از دو جهان سیر، تماشای تو ما را |
| روز صحرا و سماع است و لب جوی و تماشا | در همه شهر دلی ماند که دیگر بریایی؟ |

فصل ششم: ادبیات حماسی

۴۱ توالی بیت‌های زیر از نظر داشتن آرایه‌های «واژه‌آرایی» (تکرار)، استعاره، جناس تام (همسان) و طباق (تضاد)، در کدام گزینه درست مشخص شده است؟

- | | |
|---------------------------------------|---------------------------------|
| الف) آخر نصیحتی بکن آن هر دو چشم را | مستند و در میانه محراب خفته‌اند |
| ب) پدر با پسر یکدگر را کنار | گرفتند کرده غم از دل کنار |
| ج) موج ز خود رفته‌ای تیز خرامید و گفت | هستم اگر می‌روم، گر نروم نیستم |
| د) بگفت از سور کمتر گوی با مور | که موران را قناعت خوش‌تر از سور |
| ۱ ب، الف، د، ج | ۲ ب، الف، ج، د |
| ۳ د، الف، ب، ج | ۴ د، ج، ب، الف |

۴۲ آرایه‌های «ایهام»، پارادوکس، جناس، واج‌آرایی، به‌ترتیب در کدام بیت‌ها آمده‌است؟

- | | |
|--|---|
| الف) به ساز و چنگ تو یک پنجه بی‌قانون نخواهد بود | که ذراتند پاکوبان به ساز و چنگ و قانونت |
| ب) شب از افسان خاموشی پر از افسانه و رؤیا | چراغ ماه از ابری تنک در حجله فانوس |
| ج) به شب یک شمه از غوغای آتش‌بازی کویت | زبان شعله‌ها و نعره آتش‌فشان گوید |
| د) نگویم کز پس آینه طوطی‌وار دارندم | که ما گویای خاموشیم و خود خاموش گویایی |
| ۱ ب، الف، د، ج | ۲ الف، د، ب، ج |
| ۳ ب، د، الف، ج | ۴ الف، ب، د، ج |

۴۳ در کدام بیت استعاره دیده نمی‌شود؟

- | | |
|--|---------------------------------------|
| ۱ می حرام است ولیکن تو بدین نرگس مست | نگذارد که ز پیشست برود هشیاری |
| ۲ غلغل فکند روحم در گلشن ملایک | هر گه که سنگ آهی بر طاق آبگون زد |
| ۳ دوش دور از رویت ای جان جانم از غم تاب داشت | ابر چشمم بر رخ از سودای تو سیلاب داشت |
| ۴ در شفق دید مه عید و اشارت‌ها کرد | پیر ما سوی می سرخ به ابروی سپید |



فصل هفتم: ادبیات داستانی

۴۴ معانی واژه‌ها که در مقابل آنها آمده است، «همگی» درست است؛ به جز:

- ۱ (مقاله: گفتار) (جل: پوشش) ۲ (لطیفه: گفتار نغز) (گرم‌رو: کوشا) ۳ (کفایت: بسنده) (عماد: تکیه‌گاه) ۴ (دست‌آورد: پیامد) (تنیده: درهم‌باختن)

۴۵ در ترکیبات زیر چند غلط املائی وجود دارد؟

«اعراض و روی‌گردانی - حلیه و زیور - مُناع و فرمانروا - اکراه و ناخوشایندی - مسلک و روش - ضماد و مرهم - تریاق و پادزهر - رواق و بنای گنبدی - شکل - غایت القصوای مقصود - بطالت و بیکاری - نشعه و سرخوشی - تطاول و ستم - طاق و یکتا - سورت و تندی - صلۀ ارحام»

- ۱ چهار ۲ سه ۳ دو ۴ یک

۴۶ در میان واژه‌ها و ترکیب‌های کدام گزینه غلط املائی می‌یابید؟

- ۱ حظ و بهره، غایت القصوا، نشئه و کیفوری مجلس بزم
۲ صلۀ ارحام، عاریه و امانتی، مصاحبت و مخاصمت حضار
۳ تعب و کلافگی، دیلاق و کج و معوج، امتناع از برگزاری مجلس
۴ ایار و تموز، اعانت و مظاهرت، شیۀ اسب مضطرب

۴۷ همه ابیات با بیت زیر قرابت مفهومی دارد؛ به جز:

«اولاً تجرید شو از هر چه هست و انگهی از خود بشو یک بار دست»

- ۱ سرکوبش هوس داری هوس را پشت پای زین
۲ بر سر کوی وصل تو مرغ صفت پریدمی
۳ شمع سان پیشست بخوام سوخت سرتاپا که من
۴ گر تو سر خواهی ز من سر با تو بسپارم به چشم
در آن اندیشه یک رو شو دو عالم را قفایی زن
آه اگر نسوختی آتش هجر بال من
در فنای خویش می‌بینم بقای خویشتن
سر چه باشد هر چه دارم در نظر آرم به چشم

۴۸ در کدام گزینه، معنی قسمت مشخص شده، به درستی ذکر شده است؟

- ۱ وکان لم یکن شیئاً مذکوراً (آن غاز) در گورستان شکم آقایان ناپدید گردید: آن شیء غیر قابل ذکر
۲ مشغول تماشای این مخلوق کیمیا و شیء عَجاب بودم که عیالم وارد شد: موجود شگفت زده
۳ پنج انگشت دعاگو به معیت مچ و کف و ما يتعلّق به، بر روی صورت آقای استادی نقش بست: دیگر اعضای آن
۴ دیدم که غاز گلگونم لخت لخت و قطعه بعد اُخری طعمۀ این جماعت کرکس صفت شده: تکه تکه شده

فصل هشتم: ادبیات جهان

۴۹ در کدام گزینه «کنایه، تشخیص، تشبیه، حس آمیزی» وجود دارد؟

- ۱ ز آن لب که مژده نفسش آب زندگی است
۲ ای گل که موج خندهات از سر گذشته است
۳ تا نباید گشتتم گرد در کس چون کلید
۴ دل در طلب خندۀ شیرین تو خون شد
دشنام تلخ هم به دعاگو نمی‌رسد
آماده باش گریه تلخ گلاب را
بر در دل ز آرزو قفل شکیبایی زدم
جان در طمع لعل شکرخای تو افتاده

۵۰ در کدام گزینه، هر ۳ آرایۀ مقابل آن به درستی نوشته نشده است؟

- ۱ به تیه حرص چون آهو چه تازی نفس هم‌چون سگ
۲ برف پیری می‌نشیند بر سرم
۳ عجب نیست از گل که خندد به سروی
۴ سکوی آن سخن‌کاندرو سود نیست
به صحرای قناعت شو که بی آهوست آن صحرا (تشبیه - تناسب - ایهام)
همچنان طبعم جوانی می‌کند (تشخیص - استعاره - تضاد)
که در این چمن پای در گل نشیند (جناس - تشخیص - مراعات نظیر)
کز آن آتشت بهره جز دود نیست (جناس - استعاره - تشبیه)



پاسخنامه تشریحی

۱) در بیت گزینه ۴ منظور از «کیمیای دل» عشق است. مفهوم مشترک هر دو بیت این است که عشق، وجود انسان را همچون طلا با ارزش می‌کند.

۲) گزینه ۱: «سخت» اول (محکم): صفت برای «بند» // «سخت» دوم (بسیار): قید مسند؛ یعنی، قید «سست‌بنیاد»

گزینه ۲: «خاموش»: مسند (مرغ تسبیح گوی باشد و من خاموش باشم) // «خامش»: قید «نشستن» که مسند نمی‌خواهد!

گزینه ۳: «سحر» ها: قید

گزینه ۴: «تیر» اول (تیر پرتاب کردنی): مفعول، «تیر» دوم (عطارد): مضاف‌الیه

۳) ۱ ۲ ۳ ۴ ۳

تشبیه: سوار عمر، عمر به سوارکار تشبیه شده است.

کنایه: عنان گسسته کنایه از سریع و سرعتی

استعاره: عمر سوارکاری کند تشخیص دارد و هر تشخیصی استعاره است.

حسن تعلیل: دلیل زود گذشتن عمر را، وجود حوادث بسیار می‌داند.

۴) در بیت دوم نیز شاعر می‌گوید که زمین و زمینیان تنها به واسطهٔ دانش و هنر می‌توانند زندگی سالم و درستی داشته باشند و نامشان در تاریخ جاودانه بماند.

۵) ۱ ۲ ۳ ۴ ۵

حسن تعلیل مورد «ج»: علت وجود رود دجله، سوگ خلفا است.

تضاد مورد «ب»: ویرانی و آبادی تضاد دارند.

استعاره مورد «الف»: این که دل سؤال پیرسد و یا عشق جواب بدهد تشخیص است و هر تشخیصی استعاره است.

تناقض مورد «د»: در گدایی سلطان بودن تناقض دارد.

توجه: دقت داشته باشید مورد ب پارادوکس (تناقض) ندارد و مثلاً اگر شاعر می‌گفت در ویرانی من را آباد داشت تناقض می‌شد.

۶) ۱ ۲ ۳ ۴ ۶

ایهام تناسب: باز: ۱- دوباره (معنای موجود) // ۲- نام پرنده (معنای مورد نظر نیست، اما متناسب با مرغ، کبوتر و شاهین است)

تشبیه: مرغ دل اضافهٔ تشبیهی است.

استعاره: ای کبوتر از نوع تشخیص، به‌علاوه مرغ، هوادار کمان‌ابرو است. «کمان‌ابرو» هم استعاره از زیباروی است.

۷) بیت نخست: نمک باعث شعله‌ورتر شدن و پر سرو صدا شدن آتش می‌شود که مثالی است برای موضوع مطرح شده در مصراع نخست «اسلوب معادله «شور»

ایهام تناسب دارد.

بیت دوم: مصراع دوم مثال زیبایی برای مصراع نخست است و مصراع‌ها از دید دستوری مستقل هستند «اسلوب معادله

دلیل زیر پا بودن قالی صد رنگ بودن آن است «حسن تعلیل (دلیل ادبی) «یک رنگ بودن» در معنای صفا و صمیمیت آمده‌است اما به دلیل حضور قالی در بیت، معنای لفظی آن نیز به ذهن

خطور می‌کند «ایهام تناسب تضاد میان «یک‌رنگی» و «صد رنگ بودن» و همچنین «سربلندی» و «زیرپا افتادن» برقرار است.

بیت سوم: اسلوب معادله ندارد. (دو مورد تشبیه دارد).

بیت چهارم: آتش وقتی به خس و خاشاک بیفتد آنها را همچون طلا آتشین سیما و زرین می‌کند و این مثال زیبایی است برای موضوع مطرح شده در مصراع نخست: عشق تمام جهان را زیبا می‌کند

«اسلوب معادله.

تضاد میان «لاله‌زار» «خس» دیده می‌شود. اما ایهام تناسب و حسن تعلیل در این بیت پیدا نمی‌شود.

۸) هر دو «را» در گزینه ۴، مفعولی هستند که بعد از مفعول آمده‌اند اما در گزینه‌های دیگر هم رای مفعولی آمده است هم رای حرف اضافه:

گزینه ۱: «آینه را نیست اعتبار (برای) گل را ز گل فروش (مفعولی)

گزینه ۲: «سیل را خاشاک (مفعولی) // رهروان عشق را (برای)

گزینه ۳: «نماند جفاجوی را (برای) // درهم کشد روی را (مفعولی)

۹) گزینه ۱: «نیست» در اینجا یعنی «نابود» و فعل «گرداند» مفعول و مسند می‌خواهد. // گزینه ۲: «و» در اینجا واو همراهی است. واو همراهی نوعی حرف اضافه

است. (چون بود آب شور و استسقا: چگونه بود آب شور با استسقا؟) // گزینه ۳: «لیک یار هم کیسه کم بود (باشد) «هم کیسه» صفت نهاد است. // گزینه ۴: «اگر پوست دوست را از هم بدری

«پوست» مفعول و «دوست» مضاف‌الیه مفعول است.

۱۰) تشبیه: گلشن زمانه. زمانه مانند گلشن است.

حسن آمیزی: بوی ... را شنیدن حس آمیزی دارد.

تناسب: بو و گلشن

مجاز: کوی مجازاً خانه و حریم معشوق

۱۱) کف: مجازاً دست، گل مجازاً گل سرخ / از خاک برآمدن و افتادگی: پارادوکس (متناقض نما) / روگردان شد: کنایه از منصرف شدن، نعل در آتش: کنایه از

بی‌قراری / شاعر در بیت «ج» دلیل سنگین بودن قضای روزه‌داران برای مردم را در مصراع دوم آورده که این دلیل، ادبیانه است. / بیت «ب» اسلوب معادله دارد زیرا مصراع دوم مثالی برای

مصراع اول است.

۱۲) در سایر ابیات، این نکته آمده است که افراد سطحی و خام، سوز دل عارفان و اندیشمندان را در نمی‌یابند.



۱۳) کُل شیء یرجُع الی اصله: هر چیزی سرانجام به اصل خود باز می‌گردد که در بیت ۱ شاعر دل را قطره‌ای از دریای عشق می‌داند که از راه اشک چشم به این دریای عشق باز می‌گردد.

۱۴) سایر گزینه‌ها نگاه ظاهری و سطحی را نکوهش می‌کنند.

۱۵) مفهوم محوری تست: عاشق آگاه از اسرار عشق، از خود بی‌خود است.

مفهوم گزینه سوم: جانفشانی عاشق

۱۶) بازگشت به اصل مفهوم مشترک

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱، آگاهی پیدا کردن هرچند از اصل خودش

گزینه ۲، ۳، جابه‌جا شدن اصل و فرع

۱۷) گزینه (۱) بر مفهوم عاشق شدن تأکید دارد حال آن‌که سه گزینه دیگر به ازلی بودن عشق اشاره دارند.

۱۸) مفهوم مشترک ابیات گزینه ۲: سخن عشق را تنها به محرم می‌توان گفت.

مفهوم مشترک ابیات گزینه ۳: شکرگزار غم هستم و آن را دوست دارم؛ زیرا مونس و همدم من است.

مفهوم مشترک ابیات گزینه ۴: عاشق صبر و شکیبایی ندارد.

اما بیت اول گزینه ۱ به «پایداری و استقامت عاشق» و بیت دوم به «دوری عاشق از وصال» اشاره دارد.

۱۹) مفهوم مشترک بیت صورت سؤال و گزینه ۳: پرحرفی

(۱) مردم‌گریزی

(۲) گزیده‌گویی و ارزش سخن

(۴) زبان‌گزنده داشتن

۲۰) ابیات الف - ه - و به غم عشق اشاره دارند که برای معشوق شیرین و گواراست.

توجه: صورت در گزینه (ب) به معنای ظاهر و در گزینه (ج) یک بار در معنای معشوق و یک بار در معنای نقاشی آمده است.

مفهوم گزینه ب: دوری از ظاهر‌گرایی

مفهوم گزینه ج: هر کس عاشق نشود با نقش دیوار تفاوتی ندارد.

مفهوم د: عاشق گرفتار رهایی از بند ندارد.

۲۱) مفهوم مشترک ابیات مرتبط: پوشیده نماندن راز عشق

مفهوم بیت ۴: توصیه به رازداری و بیان نکردن اسرار عشق

۲۲) فوج: گروه، دسته

مزيج: مُمال کلمه مزاج، شوخی

بارگی: اسب (مشخص است که از ابزار آلات جنگی نیست).

گرد: دلیر، پهلوان

معنای سایر واژگان:

ترگ: کلاهخود / درع: زره / خود: کلاهخود / گبر: خفان، زره / سلیج: ممال سلاح / سنان: سرنیزه / کوس: طبل بزرگ (این نوع طبل در جنگ‌ها نواخته می‌شد تا طرفین نبرد خود را آغاز کنند؛ پس می‌تواند وسیله جنگی قلمداد شود.) / زه: چله کمان (تیر و کمان از وسایل و ابزار آلات جنگی بوده است.) / کمند: طناب (کمند برای به دام انداختن دشمن استفاده می‌شد).

۲۳) بیت «الف» ← خواجه معروف / بنده گمنام

بیت «ب» ← شام / حرام / حرام (محذوف)

بیت «ج» ← خاک / بر این / موافق

بیت «د» ← دیباچه

۲۴) تو کافر دل نقاب زلف [را] نمی‌بندی و [من] می‌ترسم که خم آن ابروی دلستان محرابم را بگرداند (تغییر بدهد).
نهاد بدل / مفعول نهاد / نهاد / مفعول

۲۵) راست (سخن راست) / زهر شکرین انجामी است. کز (سخن دروغ) نیاتی است که کام را تلخ می‌کند.
نهاد / صفت نهاد / مسند

۲۶) سلطان زمین حاکم درویش نیست که (چون که) بنده سلطنت فقر به فرمان کسی نیست. (مفهوم «دولت فقر»)
نهاد / مسند نهاد / مسند

۲۷) در بیت الف: آن پی مهر تو گیرد / پی خویش نگیرد / و در بیت «د» دوست دارد / آن که دوستش داری علاوه بر فعل به مفعول هم نیاز دارد.

۲۸) باز هم باید دو بیت را که به نظر تان ساده‌تر می‌آید را انتخاب کنید؛ مثلاً بیت‌های دوم و چهارم. مفهوم مشترک این دو بیت هم آشکار است: جاودانگی عاشقان.

این مفهوم در کدام یک از بیت‌های باقیمانده دیده می‌شود؟ بله، بیت اول. معنای بیت اول: کشته شدن در راه عشق همچون آب حیات است؛ پس عاشق هرگز نمی‌میرد.

معنای بیت سوم: اگر بر سر مزار عاشقان بگذری، به آنها زندگی دوباره خواهی بخشید. این بیت خیلی به جاودانگی عاشقان اشاره ندارد و بیشتر می‌خواهد بگوید که معشوق، روح و روان عاشق است.

نکته مهم این است که اولاً به معنای عمیق و مفهوم بیت‌ها توجه داشته باشیم. دیگر اینکه بیشتر ذهنمان به دنبال مفاهیم رایج و آشنا بگردد. سوم اینکه در تست‌هایی که در متن آنها بیت یا عبارتی نیامده است، خودمان را درگیر هر چهار بیت نکنیم؛ بلکه ابتدا با دو بیت ساده‌تر کار را شروع کنیم.



در هر دو بیت مهر و لطف خدا مایهٔ والایش و به اوج رسیدن آدمی است. (۱ ۲ ۳ ۴ ۲۹)

بدگواری: گوارش بد، سوء هاضمه // سر پَر زدن: یک لحظه نشستن و دوباره پَریدن پرنده // چریغ آفتاب: بر آمدن و طلوع خورشید (۱ ۲ ۳ ۴ ۳۰)

در وابسته‌های پسین فلش از وابسته به سمت عقب است؛ ولی در وابسته‌های پیشین فلش به سمت جلو باید باشد. (۱ ۲ ۳ ۴ ۳۱)

حسرت: هسته / آن لعل روانبخش: لعل، هسته، آن: وابستهٔ پیشین / روانبخش: وابستهٔ پسین

«مباهات» مفرد است نه جمع، بنابراین هم‌معنای سرافرازی و افتخار است، نه «افتخارات». // چریغ آفتاب (چراغ آفتاب) هم‌معنای پگاه و صبح زود است. // (۱ ۲ ۳ ۴ ۳۲)

«استبعاد داشتن» یعنی بعید بودن وقوع امری.

(۱ ۲ ۳ ۴ ۳۳)

گزینهٔ ۱: دو دستگاه دوربین عکاسی قدیمی («قدیمی» صفت عکاسی نیست، بلکه صفت دوربین است.)

گزینهٔ ۲: همه جور آدم عجیب و غریب یک تکه کاغذ نقاشی مجاله شده

گزینهٔ ۴: این درخت چنار پیر باغ

چون «چنار» نوع درخت را مشخص می‌کند، در حکم صفت است؛ پس «پیر» صفت «درخت» است. «باغ» هم مضاف‌الیه «درخت» است؛ یعنی هر سه واژهٔ «چنار»، «پیر» و «باغ» وابستهٔ درجهٔ اول هستند. نکته: اگر مضاف‌الیه جنس، نوع یا کارکرد مضاف را مشخص کند مانند صفت است. مثلاً عکاسی و چنار نوع دوربین و درخت را مشخص می‌کنند. نقاشی هم نوع یا کارکرد کاغذ را بیان می‌کند، پس با این که نوعاً اسم هستند اما در اینجا صفت فرضشان می‌کنیم. بنابراین صفت پس از آن‌ها مربوط به آن‌ها نیست.

(۱ ۲ ۳ ۴ ۳۴)

فقط عاشقان و عارفان درد کشیده اسرار الهی را درک می‌کنند.

گزینهٔ ۱: دعوت به آرامش و سکوت

گزینهٔ ۲: انسان‌ها دو گروهند: گروهی خریدار سخنان الهی و گروهی سخنان شیطانی

گزینهٔ ۴: مراقب باش تا در راه عشق، وسوسه‌های شیطانی تو را سست نکنند و فقط به پیام‌های الهی توجه کن.

(۱ ۲ ۳ ۴ ۳۵) (ب) استعاره: بوی محبت اضافه استعاری یا استعاره مکنیه است.

(د) تشبیه: «خرمن ماه» اضافهٔ تشبیهی است.

(الف) اسلوب معادله: مصراع دوم بیت الف مفهوم همان مصراع اول را به زبانی مثل گونه بیان کرده است.

(ج) تلمیح: به ماجرای خضر نبی تلمیح دارد.

توجه: در گزینه «د» نیز استعاره (ماه خرگهی) وجود دارد اما اگر استعاره را در گزینه «د» در نظر بگیریم آرایهٔ تشبیه در گزینهٔ (ب) یافت نمی‌شود. بنابراین (ب) را استعاره در نظر می‌گیریم نه «د» را. (این گونه موارد در کنکور بسیار سابقه دارد.)

(۱ ۲ ۳ ۴ ۳۶) «شبح» مقابل روح است؛ شبح کالبدی است که به شکل سایه‌ای مرموز از دور دیده می‌شود؛ «روح» دیدنی نیست!

«حزین» یعنی غم‌انگیز؛ «محزون» یعنی غم‌زده و اندوهگین.

«نبات» یعنی گیاه و رُستنی (از مصدر رُستن و رویدن)؛ در این پرسش «رُستنی» به اشتباه «رَستنی» (از مصدر رَستن و رهیدن) نوشته شده است.

(۱ ۲ ۳ ۴ ۳۷) ورطه به معنای زمین پست، مهلکه و محل هلاکت با همین املا صحیح است.

گزینهٔ (۱): با توجه به واژه خطا املائی صواب به معنی «صحیح و درست»، صحیح است.

گزینهٔ (۳): با توجه به زخم شمشیر املائی مرهم به معنی دوا و دارو صحیح است.

گزینهٔ (۴): املائی ضحّه به معنی ناله و شیوه صحیح است.

(۱ ۲ ۳ ۴ ۳۸) پارادوکس در مورد (ب) نفس‌های آخر لبریز زندگی است.

تناسب در مورد (الف): بین ماه و خورشید تناسب وجود دارد.

ایهام در مورد (د): مسلم در معنای مسلمان است ولی در معنای مسلم بن عقیل با پیک تناسب دارد. لذا ایهام تناسب دارد.

استعاره در مورد (ج): رگ گردن گواه باشد تشخیص است و هر تشخیصی استعاره است.

(۱ ۲ ۳ ۴ ۳۹) گزینه‌های «۱» و «۲» بر تأثیر قضا و قدر و سلب ارادهٔ انسان تأکید دارد، اما گزینهٔ «۴» سرنوشت انسان را منوط به اعمال او می‌داند.

(۱ ۲ ۳ ۴ ۴۰) هر دو بیت گزینهٔ (۱) بر وجود آثار عاشقی بر چهره عاشق اشاره دارد. این آثار اعم از زردی چهره، ضعیفی تن، صدای ضعیف، بیماری و... است.

(۱ ۲ ۳ ۴ ۴۱) بیت الف: چشم‌های یار مست‌هایی هستند که زیر کدام محراب خوابشان برده؟ بله، محراب ابروانِ کمانی معشوق ← «محراب» استعاره از ابروی یار

بیت ب: «کنار» در آغاز به معنی آغوش آمده است و سپس در معنی کنار و خارج.

بیت ج: تضاد میان فعل‌ها از چشمتان دور نماند.

بیت د: «سور» (جشن) و «مور» تکرار شده است.



۴۲) ۱ ۲ ۳ ۴ (اگر کار را با پارادوکس آغاز کنید، به سادگی پاسخ پیدا می‌شود.)

بیت الف: قانون (در مصراع دوم) ← ایهام: ۱. نام یک ساز ۲. قانون و مقررات

بیت ب: افسان و افسانه، جناس افزایشی دارند.

بیت ج: تکرار واج «ش»، واج آرای پدید آورده است.

بیت د: گویای خاموش ← پارادوکس

۴۳) ۱ ۲ ۳ ۴ گزینه نخست: «نرگس مست یار» همان چشمان خمارش است که همه هشیاران را مست عشق خود می‌کند.

گزینه دوم: «طاق آبگون» (آبی‌رنگ) استعاره است از آسمان. «سنگ آه» اضافه تشبیهی است؛ گویی با آه کشیدن اعتراضی به آسمان می‌کنیم که سرنوشتمان را چنین و چنان رقم زده است.

گزینه سوم: «سیلاب» استعاره‌ای اغراق آمیز است از اشک. «جان» نیز در «ای جان» استعاره از معشوق است. «دابر چشم» اضافه تشبیهی است.

گزینه چهارم: بیتی است شاهکار از صائب تبریزی با تصویرسازی‌ای بی‌نظیر اما استعاره ندارد. (در سرخی بامدادی آسمان، پیر ما هلال سفید ماه را دید و با ابروان سپید خود به سوی می سرخ‌رنگ

اشاره کرد که دیگر ماه رمضان به سر آمده است و می‌توان می‌نوشتید و شاهکار بیت این جاست که سرخی شفق چون سرخی شراب است و سپیدی هلال ماه چون ابروان هلالی و سپید پیر می

فروشان!)

۴۴) ۱ ۲ ۳ ۴ تنیده: درهم‌باخته

۴۵) ۱ ۲ ۳ ۴ نشسته و سرخوشی صحیح است.

مطاع در معنی اطاعت شده صحیح است.

۴۶) ۱ ۲ ۳ ۴ «شیهه» (صدای اسب) با املای غلطی نوشته شده است. (ایار: از ماه‌های رومیان)

۴۷) ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم گزینه ۲ شکایت از هجران است.

مفهوم سایر گزینه‌ها فارغ شدن از همه چیز غیر خداست.

۴۸) ۱ ۲ ۳ ۴ گزینه ۱) وکان لم یکن شیئاً مذکوراً: چیز قابل ذکر نبود.

گزینه ۲) شیء عجیب: برای امری شگفت به کار می‌رود.

گزینه ۴) قطعه بعد آخری: تکه‌ای بعد از تکه‌ای دیگر

۴۹) ۱ ۲ ۳ ۴ کنایه: موج خنده از سر گذشته کنایه از خنده بسیار

تشخیص: خندیدن گل

تشبیه: خنده به موج (اضافه تشبیهی)

حس آمیزی: گریه تلخ

۵۰) ۱ ۲ ۳ ۴ در گزینه ۴) تشبیه نیامده است سود و دود، جناس دارند. آتش نیز استعاره از سخن نامناسب است.

در گزینه ۱) «تیه حرص» چون آهو، هم چون سگ و محررای قناعت همگی تشبیه هستند. بین آهو و سگ تناسب است و آهو در مصراع دوم در معنی «عیب» است و در معنی حیوان آهو یا آهو و

سگ تناسب دارد، لذا ایهام تناسب می‌سازد. (ایهام)

در گزینه ۲) برف پیری استعاره از موی سپید. پیر و جوان تضاد دارند و این که طبع جوانی کند تشخیص دارد.

در گزینه ۳) این که گل بخندد تشخیص دارد. گل و سرو چمن مراعات نظیر دارند و گل و گل جناس دارند.

پاسخنامه کلیدی

۱	۱	۲	۳	۴
۲	۱	۲	۳	۴
۳	۱	۲	۳	۴
۴	۱	۲	۳	۴
۵	۱	۲	۳	۴
۶	۱	۲	۳	۴
۷	۱	۲	۳	۴
۸	۱	۲	۳	۴
۹	۱	۲	۳	۴
۱۰	۱	۲	۳	۴
۱۱	۱	۲	۳	۴
۱۲	۱	۲	۳	۴
۱۳	۱	۲	۳	۴

۱۴	۱	۲	۳	۴
۱۵	۱	۲	۳	۴
۱۶	۱	۲	۳	۴
۱۷	۱	۲	۳	۴
۱۸	۱	۲	۳	۴
۱۹	۱	۲	۳	۴
۲۰	۱	۲	۳	۴
۲۱	۱	۲	۳	۴
۲۲	۱	۲	۳	۴
۲۳	۱	۲	۳	۴
۲۴	۱	۲	۳	۴
۲۵	۱	۲	۳	۴
۲۶	۱	۲	۳	۴

۲۷	۱	۲	۳	۴
۲۸	۱	۲	۳	۴
۲۹	۱	۲	۳	۴
۳۰	۱	۲	۳	۴
۳۱	۱	۲	۳	۴
۳۲	۱	۲	۳	۴
۳۳	۱	۲	۳	۴
۳۴	۱	۲	۳	۴
۳۵	۱	۲	۳	۴
۳۶	۱	۲	۳	۴
۳۷	۱	۲	۳	۴
۳۸	۱	۲	۳	۴
۳۹	۱	۲	۳	۴

۴۰	۱	۲	۳	۴
۴۱	۱	۲	۳	۴
۴۲	۱	۲	۳	۴
۴۳	۱	۲	۳	۴
۴۴	۱	۲	۳	۴
۴۵	۱	۲	۳	۴
۴۶	۱	۲	۳	۴
۴۷	۱	۲	۳	۴
۴۸	۱	۲	۳	۴
۴۹	۱	۲	۳	۴
۵۰	۱	۲	۳	۴